



دلالت‌های بنیادین سیاست‌گذاری تربیتی

اسلامی، برگرفته از قول و سیره رضوی

دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

سینا عصاره نژاد دزفولی^۱، میثم فرخی^۲

چکیده

سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) مملو از درس‌های پر بار است. از آموزه‌های زندگی امام رضا (علیه‌السلام) نیز می‌توان برای بهبود زندگی بشر بهره‌های بسیار برد. یکی از آنها اقدام‌های سیاست‌گذارانه آن حضرت برای تربیت انسان‌هاست. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی، درصدد است دلالت‌هایی بنیادین در سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی از سیره رضوی را استخراج کند. نتایج پژوهش حاکی از دلالت‌های تربیتی مانند جهت‌دهی به استعدادها و گرایش‌های تربیتی در فرایند تربیت، نقش اثرهای وضعی بر تربیتی در فرایند تربیت؛ سیاست‌گذاری برای الگوهای اخلاقی و رفتاری تربیتی، در فرایند تربیت؛ تشویق محور و تهدیدمحور بودن توأمان مدل تربیتی؛ توجه به گفتگو محور بودن مدل‌های تربیتی اسلامی؛ توجه به هماهنگی و تأثیر متقابل علم و عمل در سیاست‌گذاری تربیتی؛ مخاطب‌شناسی در فرایند تربیت؛ ضرورت سیاست‌گذاری برای محیط رشد تربیتی است.

کلیدواژه‌ها: تربیت، سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی، دلالت بنیادین، امام رضا (علیه‌السلام)، سیره رضوی.

۱. دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (نویسنده مسئول): sina.asareh716@gmail.com

۲. استادیار گروه ارتباطات و مطالعات فرهنگی دانشکده رفاه تهران: mfarokhi65@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

دین اسلام با عنایت به تأثیر تعلّم در تزکیه جامعه، این دو مقوله را از ارکان اساسی نیل انسان به کمال برمی‌شمارد. پرواضح است، وقتی دین اسلام اهداف، مقررات، نظام حقوقی، اقتصادی و سیاسی خاصی دارد، نمی‌تواند یک نظام خاص تربیتی نداشته باشد (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۶). بی‌تردید انسان تا در میدان تعلیم و تربیت گام نهد، توانایی‌هایش به فعلیت نمی‌رسد. از این‌رو، اسلام از آغاز، تربیت را اصل قرارداد و حرکت تکاملی خود را از آن آغاز کرد (نظریور، بی‌تا: ۵۱). امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «علم، دارندگان خود را بهتر از پدران با هم جمع می‌کند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۳۷۸: ۲: ۱۳۱). این بدان معناست که اتحاد آگاهانه و حرکت‌های تکامل بخش مردمی، مرهون شناخت عمومی است که به تدریج انسان‌ها را به صورتی بادوام، در کنار هم گرد می‌آورد و به هدف‌هایی والا می‌رساند (حکیمی، ۱۳۸۴: ۱: ۱۷۹). بنابراین، علم در کنار تربیت، در تعالی جامعه مؤثر است؛ چه اینکه در پرتو آگاهی است که افراد جامعه با یکدیگر پیوند می‌خورند. بر این پایه، اهل بیت (علیهم‌السلام) که نمونه کامل تربیت نبوی به‌شمار می‌روند، متناسب با شرایط اجتماعی خویش، سیره خاصی را در ارتقای جامعه اتخاذ می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۵۶). بدین‌سان، دوران امامت امام رضا (علیه‌السلام) که عصر اختلاط فرهنگ اسلام با دیگر فرهنگ‌هاست (قائمی، ۱۳۷۸: ۲۷۵) به دلیل گسترش نهضت ترجمه، زمینه‌های علمی برای اندیشمندان ادیان و مذاهب مختلف ایجاد شد که به «عصر طلایی تمدن اسلامی» مشهور است (ابن سعد، ۱۴۰۸: ۱: ۴۳۱؛ رفاعی، ۱۳۴۳: ۱: ۳۷۹؛ جرجی‌زیدان، بی‌تا، ج ۲: ۲۸۲). در این دوره زمینه مناسبی برای نحله‌هایی نظیر واقفیه، غلات، مفوضه، مشبّهه و مجسمه مهیا شد. از سوی دیگر، جلسات مذاکراتی در قالب مناظرات با دانشمندان ادیان مختلف نیز برگزار می‌شد. از همین‌رو، هجرت امام رضا (علیه‌السلام) به خراسان، در تثبیت ارکان فکری جهان تشیع، مقوله‌ای انکارناپذیر است. بدین‌سان، امام رضا (علیه‌السلام) در مواجهه با این جریان‌های درونی و بیرونی، نه تنها به شبهات پیروان آنان پاسخ می‌دادند بلکه از هر فرصتی برای ارائه آموزه‌های اسلامی به جامعه استفاده می‌کردند. شناخت این آموزه‌ها در عصر حاضر، الگویی عالی در حیطه تربیت را پیش‌روی پژوهشگران قرار می‌دهد.

مسئله پژوهش حاضر، یافتن دلالت‌های بنیادین سیاست‌گذاری تربیتی امام رضا (علیه السلام)، در اوضاع اجتماعی مذکور است تا بتوان از نحوه عملکرد آن حضرت، برای سیاست‌گذاری تربیتی در دوران کنونی استفاده کرد. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از:

دلالات‌های بنیادین سیاست‌گذاری تربیتی در سیره رضوی کدام است؟

تاکنون هیچ پژوهشی در حیطه استخراج دلالت‌های سیاست‌گذاری تربیتی از سیره رضوی صورت نگرفته است. تنها پژوهش‌هایی نزدیک به این موضوع در اقوال و سیره رضوی انجام شده است که در جدول ۱ به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

عظیم‌زاده اردبیلی و ذبیحی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «مؤلفه‌های سلامت و بهداشت روانی در سیره رضوی»، بیان می‌کنند که امام رضا (علیه السلام) به انتخاب همسر به عنوان زیربنای بهداشت روانی خانواده تاکید و در این حوزه بر معیارهایی مانند توجه به زمان ازدواج، مشورت و ایمان فرد، امر فرموده‌اند. پس از شکل‌گیری کانون خانواده، رعایت توصیه‌هایی از قبیل: تأمین نیاز جنسی، توسعه اقتصادی، تقویت گرایش‌های اخلاقی در تعامل میان زوجین، بهداشت خانواده را در پی خواهد داشت.

جانی‌پور و سروری‌مجد (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «تبیین شیوه‌های تربیتی امام رضا (علیه السلام) در راستای ایجاد سبک زندگی اسلامی بر مبنای تحلیل محتوای دعا‌های صحیفه رضویه»، به این نتیجه رسیدند که اهم مضامین تأکیدشده در این ادعیه مبارکه، غلبه رویکرد آموزشی-تربیتی در مناسک عبادی، الگوسازی از اهل بیت (علیهم السلام)، آموزش آداب عبادت و بندگی و... است.

دهقان‌سرخ‌آبادی و کرامتی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «روش‌های آموزشی در سیره رضوی و دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان»، پنج روش تدریس آموزش انفرادی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، عبرت‌آموزی و مناظره را براساس سیره رضوی بیان نمودند. کاربرد هر یک از روش‌ها توسط مدرسان نیازمند برخورداری آن‌ها از مهارت‌های ارتباطی است. تأکید بر مهارت‌های دانشجو-استادان، به عنوان معیاری برای

جذب، بررسی مستمر توانمندی‌های فکری نیروها، گنجاندن یک یا چند واحد درسی در زمینه تفکر، پیشنهاد شد.

زین‌آبادی و عدلی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «اصول و روش‌های تربیتی با نگرشی به اراده و اختیار انسان در سیره رضوی»، دو بُعد ۱- اندیشه‌ورزی با زیرمقولات (بصیرت‌دهی و...)، ۲- علم‌آموزی با زیرمقولات (حقیقت‌جویی و...) را به عنوان مهم‌ترین اصول و روش‌های مبنای اراده بیان نمودند.

نوروزی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «راهکارهای تربیت دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و سیره رضوی»، پی‌برنده که از جمله ویژگی‌های چالش‌برانگیز تربیت در فضای مجازی، نامحدود بودن و غیرقابل کنترل بودن، تضاد فرهنگ‌ها و... است. همچنین استفاده بهینه از امکانات فضای مجازی، آشنا کردن متولیان تربیت با خطرات فضای مجازی، نظارت و همراهی با فرزندان در استفاده از فضای مجازی و... از جمله راهکارهایی است که از بررسی آیات قرآن و سیره رضوی بدست آوردند.

دلبری و زحمتکش (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «به‌کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا (علیه‌السلام)»، به این نتایج دست یافتند که التزام به احترام نسبت به غیرمسلمان، آشنایی با زبان و متون مقدس ادیان، آزادی فکر و به رسمیت شناختن حق سوال برای ادیان، همزیستی مسالمت‌آمیز، از مهم‌ترین شاخص‌های الگوی رفتاری رضوی با دیگر ادیان بوده است.

موسلی و جدی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «مولفه‌ها و روش‌های تربیتی در احادیث امام رضا (علیه‌السلام)»، دست‌یافتند که مولفه‌های تربیت رضوی بر سه پایه استوار است: خدامحوری، جامعیت و عنایت به جنبه‌های فردی و اجتماعی. در امتداد این اصول سه‌گانه، از روش‌هایی مانند: بهره‌گیری از قرآن، استفاده از مصادیق ملموس و طبیعی، تشویق به تحصیل فقه و دانش، استفاده نموده‌اند.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۲ چيستی مفهوم تربیت در دیدگاه اسلامی

پیش از بیان تعریف مختار از تربیت، ضروری است به تعریف‌های رایج آن نزد اندیشمندان اسلامی اشاره شود.

انسان فطرتی خدا آشنا دارد ولی ممکن است در مصداق‌یابی دچار خطا شود. ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در جایگاه اولین مربیان، با استفاده از سرمایه فطری، انسان را به طرف حقیقت رهنمون می‌سازند. بنابراین «تربیت اسلامی» روش رهنمون نمودن انسان به مصداق حقیقی «رب» و پرستش حداکثری او در تمام ابعاد حیات است و هدف آن، دادن زمام بُعد مادی او به دست فطرت است (امینی، ۱۳۸۴: ۴۸؛ باقری، ۱۳۸۹: ۹۹).

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند تربیت به معنای رشد و حرکت هر شیء به سمت غایتی است که کمال خود را بازمی‌یابد و در مورد انسان، حرکت او به سمت رشد توأمان جسمانی، عقلانی، علمی و اخلاقی است، به نحوی که به انسان کامل نزدیک شود (بانکی‌پور و قاشچی، ۱۳۸۴: ۵۳).

آیت‌الله مطهری (ره) نیز معتقد است تربیت یعنی پرورش دادن؛ یعنی به فعلیت درآوردن استعدادها بالقوه. لذا تربیت باید متناسب با طبیعت و سرشت باشد. اگر بنا باشد شیئی شکوفا شود، باید استعدادهایی که دارد، ظهور نماید و اگر استعدادی در شیئی نیست، بدیهی است که پرورش معنایی ندارد (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۷).

به نظر استاد صفائی حائری، تربیت یعنی از آهن، ماشین ساختن و از بشر، آدم آفریدن. آدم کسی است که بر تمام استعدادهایش حکومت دارد و استعدادهای خود را تا حد انسانی رشد دهد. تربیتی که مسخ و نفی انسان نباشد، بلکه روشنی‌دادن و زمینه فراهم آوردن باشد (صفائی حائری، ۱۳۷۹: ۲۳).

در نهایت، به متأخرترین تعریف پرداخته می‌شود که به نظر می‌رسد مجمع وجوه تعریف‌های گذشته است و لذا به عنوان مبنایی برای پژوهش حاضر، اخذ می‌شود. این تعریف عبارت است از: «تربیت فرایند یاری‌رسانی (ایجاد زمینه‌ها، رفع موانع، استفاده از شیوه‌های مؤثر) به مربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری او، به واسطه عامل انسانی دیگر، به منظور دستیابی هماهنگ و همه‌جانبه، آزادانه و آگاهانه به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای اوست.» (اعرافی، ۱۳۹۲: ۲۸). این تعریف هم به ایجاد زمینه‌های بیرونی (رفع موانع) و درونی و هم به ایجاد تغییر در فرد اشاره دارد.

۲-۲ چستی مفهوم سیاست‌گذاری

«دولت در عمل»، «هرآنچه حکومتی انتخاب می‌کند تا انجام دهد یا ندهد»، «اصول راهنمای کارهای دولت‌ها»، «مجموعه تصمیمات قوای سه‌گانه»، تعریف‌هایی از سیاست‌گذاری عمومی هستند (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۹۷-۲۲؛ الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ۳). به اعتقاد برخی، سیاست‌گذاری عمومی تجلی اراده حکومت در عمل، به عنوان مجموعه‌هایی مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و سیاست‌ها که قابل نسبت به اقتدار عمومی (از قبیل مجلس و دولت) در سطوح مختلف است (وحید، ۱۳۸۰؛ الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ۳). بنابراین، علم سیاست‌گذاری، قسمتی از حرکت عقلانی کردن زندگی برای تسلط روزافزون بر زندگی اجتماعی است و این تسلط دارای دو وجه سلبی و ایجابی است (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۵). بعضی نیز سیاست‌گذاری را با فرایند سیاست‌گذاری پیوند می‌دهند و کوشش می‌کنند تا از این طریق تعریف مناسبی را ارائه کنند و خط‌مشی‌گذاری را شامل تمام اقدام‌هایی می‌دانند که از زمان احساس معضل، شروع و به ارزیابی نتایج حاصل از اجرای خط‌مشی ختم می‌شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ۲؛ توسلی، ۱۳۸۷: ۷۵). بنابراین، تا امری به عنوان معضل و از طرفی، امری به عنوان آرمان احساس نشود، اساساً سیاست‌گذاری قابل تصور نیست. ادراک، تبیین، تفسیر و صورت‌بندی این معضل می‌تواند از سوی نهاد حکومت، مردم

جامعه یا نخبگان باشد و با ادراک مشکل عمومی است که فرایند خط‌مشی‌گذاری آغاز می‌شود.

در نهایت، تعریفی که در پژوهش حاضر به‌عنوان تعریف مختار انتخاب می‌شود، برآیندی از همه تعریف‌های سیاست‌گذاری مذکور و عبارت است از: مجموعه تصمیم‌ها و اقدام‌های هدفمند حکومت که به‌طور مستقیم از طرف حکومت یا سازمان‌ها و نهادهای مربوط، برای رسیدن به هدفی خاص صورت می‌گیرند.

۳-۲ چستی مفهوم سیاست‌گذاری تربیتی

با توجه به مفاهیم بیان‌شده «سیاست‌گذاری تربیتی» عبارت است از: سیاست‌هایی که مراجع مختلف حوزه تربیت در کشور، از قبیل مجلس، دولت، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و ... که حافظان ثغور تربیتی جامعه می‌باشند، می‌گیرند. برای مثال، دولت، در مفهوم کلی آن، نهاد قانونی برای خط‌مشی‌گذاری تربیتی است و به شکل‌های مختلف مانند برنامه‌ریزی، وضع قوانین و ضابطه‌ها به تعیین خط‌مشی تربیتی می‌پردازد. بر اساس تعریف‌های سیاست‌گذاری، شروع چرخه سیاست‌گذاری تربیتی، از احساس معضل تربیتی و یا آرمانی تربیتی برای جامعه است، که بتوان آن را تصور نمود و ادامه چرخه سیاست‌گذاری تربیتی، ارزیابی از سیاست‌ها اجراشده در حوزه تربیت است که این ارزیابی باعث بهبود برنامه‌ریزی خواهد شد. این تصمیمات، دووجه سلبی و ایجابی دارند و می‌خواهند جامعه را به خیری در زمینه تربیت برسانند و یا از شری باز دارند.

۳. روش پژوهش

تحقیق به شیوه کیفی و از نوع تحلیلی-توصیفی است. جامعه آماری، شامل کلیه اسناد، منابع و مراجع مرتبط با دلالت‌های سیاست‌گذاری تربیتی امام رضا (علیه السلام) است و کلیه منابع، محتواها و مراجع موجود و در دسترس، اعم از کتاب‌ها و ... تحلیل شده است.

داده‌های حاصل‌شده از نوع کیفی بوده و با توجه به نوع داده‌ها، به طبقه‌بندی، تحلیل، استدلال و استنتاج منطقی آنها پرداخته شد.

۴. دلالت‌های بنیادین سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی در قول و سیره رضوی

در این بخش به بیان دلالت‌های بنیادین سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی، مستنبط از اقوال و سیره رضوی پرداخته می‌شود.

۱-۴ جهت‌دهی به استعدادها و گرایش‌های متربی در فرایند تربیت

«استعداد» در لغت به معنای «توانمندی بالقوه‌بودن»، «حرکت از قوه به فعل»، «توانمندی انجام کار در آینده یا قدرت به فعل درآوردن استعداد بالقوه»، «صلاحیت و آمادگی برای یادگیری به‌طور ساده و دستیابی به سطح بالایی مهارت در زمینه‌ای مشخص» است (صلیبیا، ۱۳۶۶؛ نیکزاد، ۱۳۹۰؛ اس.ربر، ۱۳۹۰؛ رزم‌آزما، ۱۳۵۸؛ سجادی، ۱۳۷۵: ۵۹؛ وینهاوس، ۱۳۹۰: ۶).

استعداد شمشیری دولبه است که در صورت قرارنگرفتن آن تحت آموزه‌های تربیتی، فرد را به مسیرهای خطرناکی می‌کشاند (عصاره‌نژاد دزفولی، ۱۳۹۷). این اصل در سیره رضوی تأیید مؤلفه مذکور است. برای مثال، باید دانست که فرایند تربیتی، فقط فرایندی سلبی نیست، بلکه بال دیگر آن، ایجابی است (عظیم‌زاده اردبیلی و ذبیحی، ۱۳۹۲). باید در برابر تولیدات مضر، تولیداتی تربیتی، برخاسته از معارف الهی و بدیل‌های اسلامی تولید نمود و فقط نباید، به رویکردی سلبی اکتفا کرد (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸). امام رضا (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «خدا رحمت کند آن کس که امر ما را زنده بدارد. راوی می‌گوید: گفتم: چگونه امر شما را زنده بداریم؟ فرمود: با تعلیم علوم ما به مردم، زیرا اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بدانند از آن تبعیت می‌کنند.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۰). همچنین فرموده‌اند: «هرکس در مجلسی بنشیند که امر ما در آن زنده می‌شود، دل او نمیرد آن روز که دل‌ها همه خواهد مرد. از ایشان سؤال شد که

چگونه امر شما زنده نگه‌داشته می‌شود؟ به اینکه علوم ما را بیاموزد و به مردمان آموزش دهد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۹۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ ق: ۷۳؛ الراوندی، ۱۴۰۷ ق: ۲۷۸؛ طبرسی، ۱۳۸۵ ق: ۲۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۴: ۵۰۲؛ بحرانی، ۱۳۷۴ ق، ج ۳: ۵۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۱۹۹؛ جزایری، ۱۴۲۷ ق، ج ۱: ۱۸۵). این روایات بر این نکته دلالت دارند که تولید محصولات دینی و عرضه آنها، به خودی خود راهکاری در مقابله با ازبین‌بردن چالش‌های تربیتی، به خصوص در دنیای معاصر است و خود به نوعی احیای امر اسلام است.

۲-۴ مدارا و تسامح با متربی، مؤلفه‌هایی اساسی در سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی

مدارا و تسامح دینی از دیگر دلالت‌های بنیادین روش تربیتی رضوی است. امام رضا (علیه السلام) در ارتباط با پیروان سایر ادیان، سعه‌صدر داشتند. حضرت نه تنها به لحاظ نظری بلکه به لحاظ سلوک رفتاری نیز چنین بوده‌اند. احترام توأم با مدارا در مناظرات با سران ادیان و مذاهب، مؤید این مطلب است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۸۹). ایشان درباره اهل عناد، سخت‌گیر بودند اما کسی را صرفاً به خاطر عقاید خاص مورد توهین قرار نمی‌داد (دلبری و زحمتکش، ۱۳۹۵). در رفتار امام رضا (علیه السلام) هم قاطعیت صریح دیده می‌شود و هم ملایمت. درباره مسائلی که با مبانی عقیده در تضاد باشد، نظیر مباحث توحید، امامت و... در این گونه موارد، امام (علیه السلام) سازش‌ناپذیر و بدون انعطاف است ولی آنجا که به حقوق شخصی و زمینه‌های رفتاری مربوط می‌شود، اهل تسامح است (گنجور، ۱۳۹۰: ۲۵۰). راوی می‌گوید: «به امام رضا (علیه السلام) گفتم برای پدر و مادرم دعا کنم، با اینکه حق امامان و آل پیامبر را نشناختند؟ امام فرمود: برای آنها دعا کن و صدقه برای آنها بده و اگر در قید حیات هستند و حق را نمی‌شناسند، با آنها مدارا کن زیرا رسول خدا فرمود: خداوند مرا با رحمت مبعوث نمود نه با درشتی و نامهربانی.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۶: ۴۲۶). حارث‌بن دلہات می‌گوید، حضرت فرمود: «کسی مؤمن حقیقی نیست مگر اینکه در او سه خصلت باشد: سنت و روشی از پروردگارش، سنتی از پیامبر و سنت و رفتاری از ولی خدا... اما سنت پیامبرش، مدارا کردن با مردم باشد که خداوند پیامبرش

را به مدارای با مردم امر کرده و فرموده است: **خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ...** (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۵۶).

۳-۴ نقش اثرات وضعی بر تربیتی در فرایند تربیت

بر اساس سیره رضوی، آن حضرت یکی از عوامل مهم در تربیت را نقش اثرات وضعی بیان کرده‌اند. نمونه‌ای از این شواهد عبارتند از:

۱-۳-۴ توجه به شرایط انعقاد نطفه

در مباحث نکاح می‌توان روایت‌هایی یافت که برای اولین رابطه زوجین و نحوه انعقاد نطفه‌ای پاک به عنوان اولین گام در تربیت، برنامه داده‌اند (عظیم‌زاده اردبیلی و حمیدی‌پور، ۱۳۹۳). امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «هنگامی که زن به خانه‌تو وارد شد، پیشانی‌اش را بگیر و او را به طرف قبله بنشان و بگو: خداوند، او را به امانت گرفته‌ام و با میثاق تو بر خود حلال کرده‌ام، پروردگارا، از او فرزند با برکت و سالم روزی‌ام کن و شیطان را در نطفه‌ام شریک مساز و سهمی برای او قرار مده.» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵: ۱۲۲). امام رضا (علیه السلام) در این دعا لزوم طلب فرزند سالم و صالح را از خداوند یادآوری می‌کنند. در نگاه توحیدی، اگر تمام اصول تربیتی رعایت شود باز هم انسان، بی‌نیاز از عنایت الهی نمی‌شود. فرزند صالح، از الطاف پنهان و آشکار خداوند است که باید این لطف را از درگاه الهی طلب کرد.

۲-۳-۴ مراقبت‌های دوران حمل

پس از تشکیل نطفه، باید به مراقبت‌های جسمانی و روحی مادر و کودک در دوران حمل توجه کرد. در این دوران آنچه مادر می‌خورد، می‌بیند، می‌شنود و تمام حالت‌ها و احساس‌های او در کودک مؤثر است. به همین دلیل، توصیه‌های متعددی در مراقبت‌های دوران بارداری از ائمه (علیهم السلام) رسیده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۲۳). امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «به زنان باردار، کندر داده شود، زیرا اگر حمل آنها پسر باشد، پاکیزه قلب،

دانشمند و شجاع خواهد شد و اگر دختر باشد، خوش اخلاق، زیبا... و نزد شوهرش منزلت می‌یابد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۳). واضح است که تغذیه علت تامه این صفات نیست اما عامل زمینه‌ساز است. این موارد، به والدین اختصاص دارد اما موارد دیگری وجود دارد که اختصاص به والدین ندارد و هرکسی که در سازوکارهای حمایتی از کودک نقشی در تربیت دارد، باید به آنها دقت کند.

۳-۳-۴ سفارش‌های اسلامی دوران تولد

اعمالی به‌عنوان سنن ولادت در روایات ذکر شده است که شامل غسل، اذان گفتن در گوش نوزاد، برداشتن کام کودک با تربت سیدالشهدا (علیه السلام)، انتخاب نام نیکو و... می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۱۱۶). کودک در بدو تولد باید آوای توحید را با جان بشنود تا حق طلبی در جانش نفوذ کند؛ همان‌طور که برخی روایت‌ها به این معنا اشاره کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۸۹). از مهم‌ترین این سنن در تربیت، انتخاب نام است. امام رضا (علیه السلام) نقل کرده‌اند که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره حق فرزند سؤال شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «حق فرزند این است که نام و تربیت او را نیکو گردانی و او را در جایگاه (تربیتی) نیکویی قرار دهی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۸). همچنین، آن امام (علیه السلام) می‌فرمایند: «اولین نیکی انسان به فرزندش، انتخاب نام نیک برای اوست.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۱۸). نام فرد می‌تواند در صفات روحی او تأثیرگذار باشد. در روایات، انتخاب نام نیک و انتخاب نام انسان‌های صالح از جمله پیامبران یا اسمی که نشان‌دهنده بندگی خداوند باشد، توصیه و انتخاب نام‌هایی با معانی نامناسب یا اسمی که دلالت بر سرکشی می‌کند، نهی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۱). امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «هرگاه فرزندی را محمد نام گذارید، او را گرمی بدارید، در انجمن‌ها به او گشادگی و وسعت مکان دهید و نسبت به او روی ترش نکنید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۱۲۸). کودکی که نام نیک بر او نهاده شده برای رعایت حرمت نامش باید مورد احترام قرار گیرد و این خود موجب می‌شود که صفات نیک در او نهادینه شود.

۴-۴ محبت‌مداری و تکریم‌متربی در فرایند تربیت

با بررسی منابع اسلامی، الگویی که اسلام از تربیت ارائه می‌کند، مدلی تربیتی مبتنی بر محبت، قاطعیت و کرامت است (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۱۸۴). محبت به‌شدت مورد تأکید روایات قرار گرفته و ترک ابراز آن نکوهیده است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۶۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳: ۲۸۳). افراط در محبت نیز نهی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴: ۱۰۸) لذا در کنار محبت، صلابت، دقت و قاطعیت لازم است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۶۲). پس متربی در عین اینکه مورد محبت است، آزاد به انجام هرکاری نیست. اصل دیگر این الگو، احترام و ارزش قایل‌شدن است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱: ۴۷۶). در اسلام متربی نباید تحقیر شود. فردی که شخصیت او با ارزش قلمداد شود، به احساس کرامت نفس دست می‌یابد و خود را به زشتی‌ها نمی‌آلاید (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱: ۳۳۹).

اولین تأثیرات محبت، رشد احساس پذیرش در فرزند، نوعی خوش‌بینی به آینده و اتکا به حمایت‌های خانواده است. ابراز محبت در سیره امام رضا (علیه‌السلام) از اصول تربیتی است. فرزندان‌شان را در آغوش می‌گرفتند، می‌بوسیدند و با عبارتهایی مانند «بابی أنت و أمی» ایشان را خطاب قرار می‌دادند (اصفهانی‌بحرانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۳: ۷۸). ایشان در تکریم بسیار دقت می‌کردند، به‌طوری که فرزند خود را به نام نمی‌خواندند بلکه همواره کنیه او را صدا می‌زدند (اصفهانی‌بحرانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۳: ۷۳) زیرا در زبان عرب صدا زدن با کنیه، نشانه احترام زیاد به اوست. تکریم‌متربی، عزت‌نفس را بالا می‌برد و رفتارشان نیز براساس نگرشی که خود و دیگران از وی دارند، شکل می‌گیرد. در سیره امام کاظم (علیه‌السلام) نیز مشاهده می‌شود که چنین احترامی برای امام رضا (علیه‌السلام) قایل بودند. برای مثال، می‌فرمودند: «بگویند فرزندانم، رضا را نزد من بیاورند. به فرزندم رضا چنین گفتم، فرزندم رضا چنان گفت» و هرگاه ایشان را مخاطب قرار می‌دادند، او را با کنیه‌اش «ابالحسن» صدا می‌زدند. (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۴).

۵-۴ سیاست‌گذاری برای الگوهای اخلاقی و رفتاری متربی در فرایند تربیت

ارزش‌ها و رفتارها در ابتدا در خانواده‌ها شکل می‌گیرند و در جان ریشه می‌کنند. انسان در دوران کودکی اولین کسانی را که می‌شناسد و همه چیز را وابسته به ایشان می‌داند، والدین او هستند. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «به فرزندان‌تان خوبی و نیکی کنید زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۷۷) زیرا آنها مورد اعتمادترین اشخاص نزد کودکان هستند و وفانکردن به وعده، اعتماد او را تخریب می‌کند. مهم‌ترین اثر منفی آن بر رابطه کودک با خدا در آینده است. پیش از آنکه کودک با مفهوم خدا آشنا شود، والدین را ربّ خود می‌داند. حال اگر والدین به وعده‌های خود عمل نکنند، او این خلف‌وعده را به مفهوم خداوندی تسری می‌دهد (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۲۳۱). امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسی که خود را پیشوای مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم مردم، خود را تربیت کند و قبل از تربیت زبانی، با رفتارش مردم را تربیت کند.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۱۵۱). امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «با غیر زبانتان دعوت‌کننده مردم باشید. باید مردم از شما پرهیزکاری، تلاش، نماز و خوبی ببینند که این دعوت‌کردن است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۷۸). در نتیجه، بهترین روش برای تربیت این است که ابتدا والدین عامل به اوامر الهی باشند.

۶-۴ تشویق‌محور و تهدیدمحور بودن توأمان مدل تربیتی

در قرآن کریم، تشویق و تهدید در بسیاری از موارد در کنار هم آمده‌اند. خداوند در قرآن درباره پیامبران می‌فرماید: «و ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (انعام/۴۸). زکریا بن آدم می‌گوید: «خدمت امام رضا (علیه‌السلام) بودم که حضرت جواد (علیه‌السلام) را نزد ما آوردند. او که حدود چهارساله بود، دست‌ها را بر زمین نهاد و سرش را به طرف آسمان بلند کرد و به فکر فرو رفت. امام رضا (علیه‌السلام) به او فرمودند: جانم به فدایت باد! در چه موضوعی چنین اندیشه می‌کنی؟ فرمودند: در آنچه نسبت به مادرم فاطمه (س) انجام داده‌اند. به خدا قسم، آنها را از قبر

بیرون می آورم، می سوزانم و خاکسترشان را به دریا می ریزم. امام رضا (علیه السلام) او را به خود نزدیک ساخت، بین دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت باد! تو برای امامت شایسته ای.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۱۰۵). در این حدیث، امام رضا (علیه السلام) پس از شنیدن سخنان فرزندشان، او را در کلام و عمل تشویق می کنند.

امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: «روزی حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در محضر پدرش سخنی فرمودند که موجب شگفتی، سُرور و شادی پدر شد. امام صادق (علیه السلام) در مقام تشویق فرزند خود به او فرمودند: ای فرزندم! سپاس خدای را که تو را جانشین و خلف پدران و مایه سرور و بهجت فرزندان و جانشین دوستان قرار داد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۲۷). امام رضا (علیه السلام) با بیان این حدیث می خواهند تشویق کلامی امام صادق (علیه السلام) را بیان کنند که بلافاصله پس از کلام فرزندشان مطرح می شود. در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز موضوع تشویق و تنبیه مشاهده می شود. در موارد بسیاری از شیوه گفتاری مانند مدح و ذم برای تشویق و تنبیه دیگران بهره می بردند. به عنوان نمونه، زمانی که سپاهیان از جهاد با معاویه امتناع ورزیدند، فرمودند: «رویتان زشت باد و همواره اندوهناک باشید که خود را هدف تیر دشمنان قرار دادید! آنان شما را غارت می کنند و شما به آنان حمله نمی کنید! خدا را معصیت می کنند و شما خشنود هستید! و... ای نامردان مردنما، دارندگان رؤیاهای کودکانه و عقل هایی به اندازه عقل زنان حجله نشین، ای کاش شما را ندیده بودم و نمی شناختم. به خدا قسم حاصل شناختن شما پشیمانی و غم و غصه است.» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱: ۵۱).

حضرت رضا (علیه السلام) در توصیف پیامبر ﷺ می فرمایند: «پیامبر ﷺ کار نیک را نیک می شمرد و تشویق و تقویت می کرد و کار زشت را زشت معرفی می کرد و به نکوهش آن می پرداخت.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۳۱۸؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۸۲: بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۱۵۱).

۷-۴ تبیین عقاید و ضرورت‌های دین برای متربی

ادعیه رضویه مشحون از عبارتهایی است که بر تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر خداوند اشاره دارد. درباره تسبیح خداوند می‌فرمایند: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» (صحیفه رضویه، دعای ۳). «سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ...» (همان: دعای ۴). این موارد نشان می‌دهد که امام رضا (علیه السلام) تلاش دارند تا با استفاده از ابزار دعا، صفات خداوند را معرفی و تبیین و جامعه را با اولین اصول اعتقادی دین، که خود مقدمه آشنایی با دیگر اصول و امری تربیتی در فرایند عظیم تربیت است، آشنا کنند (جانی‌پور و سروری مجد، ۱۳۹۳: ۱۷).

۸-۴ توجه به سنن الهی در سیاست‌گذاری تربیتی

بسیاری از آدابی که امام رضا (علیه السلام) در ادعیه خود به آموزش آن پرداخته‌اند، استفاده تلویحی از سنن الهی است. برای مثال، در دعای ۶۳ صحیفه رضویه بیان می‌دارند: «اللَّهُمَّ كَمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَعْلَمْ فَأَغْفِرْ لِي مَا تَعْلَمُ وَ كَمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ عِلْمَكَ فَلْيَسَّعْ عَفْوَكَ وَ كَمَا بَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ فَاتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِالْغُفْرَانِ...» (صحیفه رضویه، دعای ۶۳). در این دعا امام (علیه السلام) تلاش دارند تا با بیان اقدام‌هایی که خداوند آنها را به‌عنوان وظیفه خود بیان کرده است، برخی امور را از خداوند بخواهند.

۹-۴ اصالت غفلت‌زدایی در طراحی فرایند تربیتی فرد و جامعه

انسان فطرتی خدا آشنا دارد، ولی غفلت‌هایی بر سر راه قرار می‌گیرد که به‌محض برداشته‌شدن، دوباره به فطرت باز می‌گردد (قانع و عصاره نژاد دزفولی، ۱۳۹۶). علامه طباطبایی معتقد است بحث از خداوند به‌خاطر حاکم‌بودن اصل علیت بر روح انسان است که به دنبال علت العلل برمی‌آید (مطهری، ۱۳۸۸: ۶۸). این مهم، از ادعیه رضوی قابل استنباط است. امام رضا (علیه السلام) بیان می‌دارند: «إِلَهِي بَدَتْ قُدْرَتُكَ وَ لَمْ تَبْدُ هَيْئَتُكَ فَجَهْلُوكَ وَ بِهِ قَدَرُوكَ وَ التَّقْدِيرُ عَلَيَّ غَيْرِ مَا بِهِ وَ صَفُوكَ فَإِنِّي بَرِيءٌ يَا إِلَهِي مِنْ

الَّذِينَ بِالتَّشْبِيهِ طَلَبُوا لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ إِلَهِي وَلَنْ يُدْرِكُوا وَظَاهِرُ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمِكَ ذَلِيلُهُمْ عَلَيْكَ لَوْ عَرَفُواكَ وَفِي خَلْقِكَ...» (صحیفه رضویه، دعای ۸). بخش اول دعا به آگاه‌سازی صفات خداوند و بیان معارف با هدف غفلت‌زدایی می‌پردازد و تنها در بخش پایانی برای رفع حوایج، دعایی ذکر شده است. در این ادعیه، حضرت از هر موقعیتی برای تبلیغ معارف و تربیت جامعه استفاده می‌کند.

۴-۱۰ توجه به نقش حجت درونی در سیاست‌گذاری تربیتی

امام رضا (علیه السلام) عقل را حجت درونی، در کنار حجت بیرونی یعنی معصومین (علیهم السلام) می‌داند. ابن سبکیت از ایشان پرسید: «امروز حجت بر مردم چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: همان خرد باشد که انسان به وسیله آن راستگو نسبت به خدا را می‌شناسد و او را تصدیق می‌کند و از دروغ‌پرداز نسبت به خدا آگاهی می‌یابد و او را تکذیب می‌کند. ابن سبکیت گفت: به خدا سوگند که این همان پاسخ (درست) است.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰: ۴۴۳). خود حضرت در روزگاری که حجت ظاهری، یعنی امامت، در حد پادشاهی تنزل یافت و امامان (علیهم السلام) ناشناخته ماندند، از حجت باطنی بیشترین بهره را برده و با تشکیل مناظرات و احتجاجات عقلانی، مردم را هدایت می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۳۴۰).

۴-۱۱ توجه به گفتگو محور بودن مدل‌های تربیتی اسلامی

این روش، گفتگویی منظم درباره موضوعات است که در آن مربی موضوعی را مطرح و فراگیران درباره آن اندیشه و اظهار نظر می‌کنند. در این روش، فراگیران در فعالیت‌های تربیتی - آموزشی شرکت و در مباحثه، از نگرش‌های خود با ذکر دلایل حقایقی و اصول علمی دفاع می‌کنند. در سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام)، از این روش استفاده می‌شود، به نحوی که ایشان در میان یاران، آیات قرآن، روایات و مسائل روز را مطرح می‌کردند و مبانی اسلام را آموزش می‌دادند. دو نمونه از شواهد آن در سیره رضوی، عبارت است از:

۱-۱-۴ گفتگو در قالب پرسش و پاسخ

در سیره رضوی استفاده از پرسش و پاسخ یکی از لوازم اصلی تربیت است. ایشان می‌فرمایند: «علم، گنجینه‌های کمال است و کلیدهای آن گنجینه‌ها پرسش کردن است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۲۴). هر چند ائمه (علیهم‌السلام) برای سؤال کردن فضیلت‌های متعددی بر شمرده‌اند، اگر هدف آزار معلم باشد، هشدار داده‌اند. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «بر دانشجوست که در سؤال از معلم زیاده روی نکند و با پاسخ‌های او به مکابره و ستیزه برنخیزد. هنگام خستگی و ناتوانی معلم، از پای فشردن بر بحث خودداری کند و چون به عزم بیرون رفتن از مجلس درس بر خاست، به دامن وی نیاویزد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۳)

در مجموع، پرسش و پاسخ که بیانگر نوعی گفتگوست، در سیره رضوی مورد توجه بسیار قرار گرفته است. روزی به دستور مأمون، مجلسی از فقها و فیلسوفان فرقه‌های مختلف، در حضور امام (علیه‌السلام) تشکیل شد و خود مأمون نیز در مجلس شرکت کرد. در آن مجلس، از امام (علیه‌السلام) پرسیده شد: مقام امامت برای مدعی آن، از چه راهی ثابت می‌شود؟ امام (علیه‌السلام) فرمود: با تصریح پیامبر ﷺ و دلایل ثابت می‌شود. عالم گفت: دلالت بر صدق امام چیست؟ امام (علیه‌السلام) فرمود: در علم و استجابت دعای او. عالم گفت: شما چگونه از حوادث خبر می‌دهید؟ حضرت فرمود: بر اساس عهده‌ای که بین ما و پیامبر ﷺ وجود دارد. عالم گفت: شما از دل‌های مردم چگونه خبر می‌دهید؟ امام فرمود: آیا سخن پیامبر ﷺ به شما نرسیده که فرمود: مراقب فراست و تیزهوشی مؤمن باشید؛ چرا که او به کمک نور خدا، می‌نگرد. عالم گفت: آری؛ این سخن به ما رسیده است. امام (علیه‌السلام) فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه دارای هوش تیز و سرعت انتقال است و با نور خدا به اندازه ایمان و بصیرت و شناختش، به اشیا می‌نگرد و خداوند در وجود امامان (علیهم‌السلام) آنچه را که در میان همه مؤمنان پخش کرده، جمع کرده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۴۴۸).

۲-۱-۴ گفتگو در قالب مناظره

«مناظره» به معنای گفتگو با یکدیگر است که طی آن دو طرف می‌کوشند با استفاده از

مقدمات پذیرفته شده طرف مقابل، مطلب خود را اثبات و فضیلت خود را بر دیگران اثبات کند (سپنجی و مومن دوست، ۱۳۹۰: ۱۲۱). مناظره بیانگر برخورد اندیشه‌ها، به‌منظور پرده برداشتن از حقیقت است. امام (علیه السلام) فرموده‌اند: «برای دانستن سؤال کن، نه برای مغلوب کردن دیگران.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۳۳). ایشان با شرکت در مناظرات، عملاً روش عقلانی بحث را به مردم آموزش می‌دادند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۳۲). در واقع، نهضت ترجمه، تحولی فکری-فرهنگی در جامعه اسلامی ایجاد کرد، مسائل جدیدی جایگزین مسائل موجود شد و مبانی و روش‌ها نیز تغییر کرد. بر همین اساس، برخلاف برخی رهبران ادیان و مذاهب که پرسش را زمینه بی‌اعتقادی می‌دانستند، امام رضا (علیه السلام) با اطمینان از مبانی دینی، به عقلانیت تأکید کردند و با استقبال از تضارب آرا، به طرح مسائل نوین دین‌شناسی پرداختند. استقبال امام (علیه السلام) از مباحث آزاد، نشانگر آن است که ایشان مبانی اسلام را دارای پایه‌های عقلانی و دین را با عقل و علم قابل دفاع می‌دانستند (وطن دوست، ۱۳۸۷: ۱۴). آنچه امام (علیه السلام) در دفاع عقلانی به روش مناظره انجام دادند، شبهات را از دین برطرف کرد و ظرفیت تحمل دیدگاه‌های مخالف را شناساند. مناظره‌های امام (علیه السلام) ویژگی‌های خاصی دارد که مهم‌ترین آنها، میدان دادن به طرف مقابل، آزادی کامل مخالفان، احتجاج با زبان طرف مقابل و استفاده از مقبولات طرف مقابل در مناظره، است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۳۲۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۵۴).

۱۲-۴ توجه به هماهنگی و تاثیر متقابل علم و عمل در سیاست‌گذاری تربیتی

بر اساس مبانی اسلامی، بین علم و عمل رابطه متقابل و مستقیم وجود دارد (کاردان، ۱۳۸۹: ۵۰۶) لذا مربی باید متربی را تشویق به اعمال موافق فطرت کند. انجام عمل مطابق فطرت، به تدریج علم آن را به همراه خواهد آورد و این تشویق، قبل از کلام مربی، با عمل او صورت می‌گیرد (قانع و عصاره نژاد دزفولی، ۱۳۹۶: ۲۱). در فقه اسلامی، بر عدم تشبّه به کفار تأکید می‌شود. پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «هرکس به غیر ما مانند شود، از ما نیست.» (پاینده، ۱۳۶۰: ۵۰۹). در همین رابطه، امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «عمل تابع علم است. هیچ کدام بدون دیگری نفعی ندارد و عالم ناچار باید عمل کند و علم به تنهایی

اهل علم را نجات نمی‌دهد.» (ابن‌فهدحلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۷۳). آن حضرت فرمود: «کسی که بدون شناخت و بصیرت عمل کند، همانند کسی است که در بیراهه حرکت می‌کند و هر چه بر سرعت مسیر بیفزاید، جز دوری از راه چیزی بر او نیفزاید، پس علم و عمل دویار قرین هم هستند که هیچ یک بدون دیگری درست نمی‌شود و همه فعالیت‌ها به خاطر این دو گوهر یعنی علم و عمل شکل گرفته است.» (ابن‌فهدحلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۷۴).

۱۳-۴ مخاطب‌شناسی در فرایند تربیت

گوینده در تعامل، میزان خرد مخاطبان را می‌سنجد و به‌میزان عقول استعداد و توان آنها به گفتگو می‌پردازد (زین‌آبادی و عدلی، ۱۳۹۵). امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند: «ظرفیت‌های معرفتی هر جامعه را باید شناخت و رعایت کرد و به اندازه آنها سخن گفت.» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۹۵). در روایت دیگر، امام علیه‌السلام می‌فرمایند: «حکیمان آن‌گاه حکمت را تباه کردند که آن را در اختیار نااهلان گذاردند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵: ۳۴۵).

شخصی از ثنویه بر یکتایی وجود خداوند دلیل خواست. حضرت با توجه به فهم وی، به پاسخی اقناعی اکتفا کرده و فرمود: «اینکه تو می‌گویی خداوند دوتاست، خود دلیل بر یکتایی است؛ زیرا تو «دومی» را نمی‌خوانی، مگر آنکه اولی را اثبات کنی. پس اولی مورد اتفاق همگان بوده و دومی، محل اختلاف است.» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۴۲۰). آن حضرت در این استدلال به اثبات خدای واحد اکتفا می‌کند، خدای دوم را در مرحله شك و اِی می‌نهد و آن را نفی نمی‌کند.

۱۴-۴ ضرورت سیاست‌گذاری برای محیط رشد متربی

منظور از محیط، مجموعه شرایطی است که افراد را در خود‌شناور می‌کند و بر آنها اثر می‌گذارد، مثل عوامل فیزیکی، فرهنگی و... (قائمی، ۱۳۷۰: ۱۱۶). همچنین، باید توجه داشت که تربیت، تنها شامل محیط خانه نمی‌شود، بلکه شامل تمامی مکان‌های حضور متربی می‌شود (مایر، ۱۳۷۴: ۱۷). هر چه محیط با معیارهای دینی منطبق‌تر باشد، شرایط

برای تربیت دینی فراهم‌تر می‌شود. محیط است که انسان را به خداپرستی یا بت‌پرستی می‌کشاند. البته، انتخاب نهایی به‌دست خود انسان است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۳۳۵). بر همین اساس، اصلی‌ترین راهکار اسلام برای مدیریت محیط، امر به معروف و نهی از منکر است. امام رضا (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: «هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، باید در انتظار عذاب پروردگار باشند.» (عطاردی قوچانی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۳۸۲). خود امام (علیه السلام) مأمون را نصیحت می‌کرد و بیم می‌داد و کارهای خلاف او را، تقبیح می‌نمود (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۶۹).

۴-۱۵ شمولیت و جامعیت مؤلفه‌های سیاست‌گذاری تربیتی - اسلامی

یکی از ویژگی‌های تربیت رضوی شمولیت و جامعیت است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۹۲). امام (علیه السلام) چون نماد اسلام حقیقی بودند، همانند اسلام، به تمامی حوزه‌های انسانی چنان می‌پرداختند که با اهتمام به یک حوزه، از دیگر حوزه‌ها باز نمانند زیرا اسلام دینی حقیقی است، لذا احکامی آن نیز جامع هستند و به صورت هم‌زمان، خیر دنیا و آخرت را به دنبال دارند (موسلی و جدی، ۱۳۹۷). در همین رابطه «ابراهیم بن عباس» بیان می‌کند: «هرگز ندیدم آن حضرت با سخن در حق کسی جفا کند... هرگز حاجتمندی را که توان انجام حاجت او را داشت، رد نمی‌کرد. هرگز پای خود را نزد دیگران دراز نمی‌کرد، هرگز در حضور دیگران به چیزی تکیه نمی‌داد، هرگز ندیدم غلامان و خدمه خود را دشنام دهد، هرگز ندیدم که آب دهان بیندازد... وقتی سفره پهن می‌کرد، بردگان و خدمه و حتی دربان‌ها و نگهبانان نیز با او بر سفره می‌نشستند. بیشتر شب‌ها را تا صبح اهل تهجد و نیایش بود... بسیار نیکی می‌کرد و پنهانی صدقه می‌داد...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۹۰).

۵. نتیجه‌گیری

علوم، بسته به مبادی خود، مختصات مختلفی دارند. علوم تربیتی و متعلقات آن (مانند

سیاست‌گذاری) نیز از این امر مستثنی نیست. لذا با بنیان قراردادن مبانی اسلامی، نتایج مختلف و متفاوتی بر آن بار می‌شود. از طرفی، یکی از منابع استخراج احکام در اسلام، اقوال و سیره معصومان (علیهم‌السلام) است. سؤال اصلی پژوهش حاضر، چیستی دلالت‌های سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی با مبنا قراردادن سیره رضوی بود زیرا دوران امامت امام رضا (علیه‌السلام) بنا به دلایلی مانند نهضت ترجمه و... یکی از دوران پرتشت فرهنگی است. بنابراین، نحوه مدیریت و سیاست‌گذاری تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) در این اوضاع، می‌تواند به عنوان سرمشقی بی‌بدیل برای مدیریت عرصه تربیت در جهان پرتشت کنونی باشد.

انسان‌ها زمانی می‌توانند به کمال دست یابند که استعدادهای خویش را بشناسند و از رهگذر تعالیم معصومین (علیهم‌السلام) شکوفا سازند. از طرف دیگر، به جهت اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر رضوی، جایگاه کیفیت تعامل با دیگران، نحوه تربیت انسان‌ها توسط آن حضرت، بسیار پراهمیت است. پژوهش حاضر، در سنت کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی، با مبنا قراردادن سیره رضوی، به دنبال استخراج دلالت‌هایی بنیادین در سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی بود. اهم نتایج عبارتند از: ۱. جهت‌دهی به استعدادهای و گرایش‌های متربی در فرایند تربیت ۲. مدارا و تسامح با متربی، مؤلفه‌هایی اساسی در سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی ۳. نقش اثرات وضعی بر متربی در فرایند تربیت ۴. محبت‌مداری و تکریم متربی در فرایند تربیت ۵. سیاست‌گذاری برای الگوهای اخلاقی و رفتاری متربی در فرایند تربیت ۶. تشویق محور و تهدیدمحور بودن توأمان مدل تربیتی ۷. تبیین عقاید و ضرورت‌های دین برای متربی ۸. توجه به سنن الهی در سیاست‌گذاری تربیتی ۹. اصالت غفلت‌زدایی در فرایند تربیتی فرد و جامعه ۱۰. توجه به نقش حجت درونی در سیاست‌گذاری تربیتی ۱۱. توجه به گفتگومحور بودن مدل‌های تربیتی اسلامی ۱۲. توجه به هماهنگی و تأثیر متقابل علم و عمل در سیاست‌گذاری تربیتی ۱۳. مخاطب‌شناسی در فرایند تربیت ۱۴. ضرورت سیاست‌گذاری برای محیط رشد متربی ۱۵. شمولیت و جامعیت مؤلفه‌های سیاست‌گذاری تربیتی اسلامی.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۳۹۱). مترجم: محمد دشتی. تهران: پورصائب.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا علیه السلام. قم: مؤمنین.
- (۱۳۷۶). امالی. تهران: کتابچی.
- (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: اسلامی.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۳۸۱). آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز. مترجم: محمد حسین نائینی. تهران: کیا.
- ابن سعد، ابو عبدالله محمد بن سعد. (۱۴۰۸ق). الطبقات الکبری. مدینه: مکتبه العلوم و الحكم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۰). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله. مترجم: بهراد جعفری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۱۳۶۶). تحف العقول عن آل الرسول. تصحیح: علی اکبر غفاری. تهران: اسلامیه.
- اصفهانی بحرانی، عبدالله. (۱۴۱۳ق). عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال. قم: الامام المهدی علیه السلام.
- اعرافی، علی رضا. (۱۳۹۲). فقه تربیتی. تهران: اشراق و عرفان.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۴). اسلام و تعلیم و تربیت. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۶). سیاست گذاری عمومی در ایران. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- الوانی، سید مهدی و شریف زاده، فتاح. (۱۳۸۸). فرایند خط مشی گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثت.
- (۱۴۱۱ق). حلیه الابرافی احوال محمد و آله الاطهار علیه السلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۹). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: علمی و فرهنگی.
- بانکی پورفرد، امیر حسین و قاماشچی، احمد. (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری. تهران: تربیت اسلامی.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۶۰). نهج الفصاحه. تهران: جاویدان.
- توسلی، حمید. (۱۳۸۷). «ارائه هشت مدل عملیاتی در چرخه سیاست گذاری برای اجرای مطلوب سیاست ها». راهبرد یاس. سال پنجم. ش ۳. صص: ۷۸-۴۵.
- جانی پور، محمد و سروری مجد، علی. (۱۳۹۳). «تبیین شیوه های تربیتی امام رضا علیه السلام در راستای ایجاد سبک زندگی اسلامی بر مبنای تحلیل محتوای دعا های صحیفه رضویه». فرهنگ رضوی. سال دوم. شماره ۱۷. صص: ۷۹-۵۳.
- جزائری، نعمت الله. (۱۴۲۷ق). ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: آل البيت علیه السلام.
- حکیمی، محمد رضا. (۱۳۸۴). الحیاء. قم: دلیل ما.
- حسینی، حسن و دهپهلوانی، طلعت. (۱۳۹۱). «جایگاه عقلانیت در احتجاجات امام رضا علیه السلام». مجموعه مقالات نخستین

